

# اسلام‌گرایی در غیاب تندروی

ارزیابی تجربه سیاسی دولت‌های اسلام‌گرای ترکیه در گفت‌وگوی "اخبار ادیان" با دکتر اسدالله اطهری

اسلام‌گرایان ترکیه برای اولین بار در ساختار نظام سیاسی این کشور موفق شدند دولتی یکپارچه و غیرانتلافی از اسلام‌گراها را برپا کنند. اما موفقیت آن‌ها در تداوم فعالیت خود در چارچوب نظام حاکم بر ترکیه به علل و عوامل عدیده‌ای بستگی تام دارد.

به منظور کندوکاو در مورد این علل و عوامل، گفت‌وگویی با دکتر اسدالله اطهری، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ترکیه‌شناس و استاد دانشگاه ترتیب داده شده و چالش‌ها و دستاوردهای دولت اسلام‌گرای کنونی ترکیه و حزب حاکم آن به رهبری رجب طیب اردوغان مورد بررسی قرار گرفته است.

ترک‌ها از عهد باستان و هنگام تأسیس دولت‌های هون و آینه‌خورها دارای ساختارهای اجتماعی و سیاسی خاصی بوده و این ساختارها کم و بیش تا امروز جریان یافته‌اند. این وضعیت خاص ترک‌ها، واجد چه مشخصه‌هایی است؟

یک عنصر این خصوصیات ترک‌ها، همان فرهنگ ملی است که تداوم فرهنگ ترکی محسوب می‌شود. بعد از مسلمان شدن ترک‌ها، فرهنگ اسلامی به آن خصلت قبلی افزوده شده و با نفوذ مدرنیته، عنصر غربی وارد فرهنگ ترکی می‌شود. این سه خصوصیت، ویژگی‌های فرهنگ ترکیه است. به همین خاطر، احتمال ایجاد شکاف سیاسی در ترکیه وجود دارد. چراکه برخی گروه‌های سیاسی، ناسیونالیسم را بر سایر شوون ترجیح می‌دهند و از همین گروه می‌توان به نوع نگرش حزب جمهوری‌خواه خلق اشاره کرد که مصطفی کمال، بنیان‌گذارش بوده است. برخی گروه‌ها هم عمدتاً به اسلام‌گرایی تمایل بیشتر دارند و برخی هم غرب‌گرا هستند.

**دستاوردهایی که حکومت عثمانی در چند قرن معاصر برای اتباع خود داشت، چه بوده است؟**  
از نظر نظامی‌گری، عثمانی‌ها بسیاری از مناطق اروپایی را تصرف کردند. از نظر فرهنگی و اجتماعی دچار سلسله مراتب شدند و دربار از امتیازات ویژه مانند سلاطین شرقی از جمله ایران استفاده می‌کرد و ساختار فرهنگی هم بیشتر هویت ترکی و اسلامی داشت و دروازه ورود مدرنیته به خاورمیانه و کشورهای شرقی بود و جزو پیشگامان منطقه برای داشتن قانون اساسی و جریانات مشروطه‌طلبی به شمار می‌آمد. گرایش‌های تصوف هم در ترکیه حائز اهمیت است و هر ساله مراسم سالگرد مولانا را برگزار می‌کنند و

یکی از دلایل حفظ اسلام در ترکیه، همین تعلق خاطر ترک‌ها به تصوف بوده است. این ویژگی‌ها باعث شده که مردم ترکیه عموماً به برداشتی ملایم از اسلام اعتقاد پیدا کنند. جریانات عمده اسلام‌گرا در ترکیه چه ایده‌هایی را مطرح می‌کنند؟

در حال حاضر، دو جریان مدرن و سنتی در طیف اسلام‌گرا وجود دارد. اسلام‌گراها در یک دهه قبل در قالب حزب رفاه و با رهبری نجم‌الدین اربکان به قدرت رسیدند ولی از قدرت برکنار شدند و حزب فضیلت را تشکیل دادند. در اینجا انشعابی رخ داد و جریان مدرن به رهبری رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر کنونی ترکیه و "عبدالله گل" وزیر خارجه کنونی ترکیه، حزب عدالت و رفاه را به وجود آوردند و جریان سنتی هم به رهبری "رجایی کوتان" توانستند حزب سعادت را تأسیس کنند ولی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ این حزب عدالت و توسعه بود که بیشترین رأی را به دست آورد و دولت کنونی ترکیه را تشکیل داد. این جریان، متأثر از اخوان المسلمین است. یک جریان اسلام‌گرایی - صوفی‌گرایی هم در ترکیه وجود دارد که رهبری آن به عهده "فتح‌الله گولن" می‌باشد. او موافق زندگی مدرن و آشتی اسلام و مدرنیته است و مدتی هم با انقلاب اسلامی ایران همدلی نشان داد. جماعت گولن حدود ۱۰۰ مدرسه در ترکیه دارند که تحت کنترل دولت کار می‌کنند ولی بر ارزش‌های محافظه‌کارانه همچون رفتار نیک و احترام به بزرگترها تأکید دارند و حدود ۲۰۰ مدرسه هم در کشورهای مختلف از جمله چین، تانزانیا و جمهوری‌های ترک زبان آسیای میانه و قفقاز تأسیس کرده‌اند و فرهنگ ترکی را حداقل در خارج از ترکیه رواج می‌دهند. فرقه‌های صوفی بکتاشیه و تخته‌چی هم در

ترکیه فعال هستند و تفکرات صوفی مسلک دارند.

با لغو حکومت عثمانی، جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ جایگزین آن شد و در سال ۱۹۲۸ عبارت "دین دولت ترکیه اسلام است" از قانون حذف گردید و در سال ۱۹۳۷، حکومت لاییک به رسمیت شناخته شد. البته در ۱۹۲۵ هم شیخ سعید و تعدادی از پیروانش در منطقه دیاربکر قیام کردند و در نهایت اعدام شدند. گروه‌های اسلام‌گرای جدید در چه فضایی فعالیت خود را آغاز کردند؟

در دهه ۵۰ میلادی که حزب دموکرات در حال تقویت فعالیت‌های خود بود و به رهبری "عدنان مندرس" به قدرت رسید و دولت هم تشکیل داد، اعتقاد داشت که اسلام‌گراها باید بیشتر فعالیت بکنند و بیش از زمان آتاترک باید به اسلام و نماز اهمیت بدهیم. اسلام‌گراها نیز در پناه حزب دموکرات، فعالیت خود را شروع کردند. اگرچه مندرس - نخست‌وزیر وقت ترکیه - از قدرت ساقط و اعدام شد، اما اسلام‌گراها در دهه ۷۰ و ۸۰ به فعالیت‌های اقتصادی هم روی آوردند. در ضمن، تفکر شیخ سعید بیشتر قومی و ناسیونالیستی بود تا اسلام‌گرایانه و تفکر اردوغان و حزب عدالت و توسعه او برپایه مثلث ناسیونالیسم، مذهب و مدرنیته است.

**این گرایش‌های اسلام‌گرا در مواجهه با چه جریانات رقیبی به منصفه ظهور رسیدند؟**  
در برابر آتاترکیسم و لایسیسم که تبلیغ می‌کرد. البته نظام ترکیه شباهت زیادی به نظام لاییک فرانسه دارد که عمدتاً ضددینی است و نه غیردینی مثل بریتانیا و ایالات متحده. البته گروه‌های اسلام‌گرایی همچون حزب الله ترکیه هم فعالیت دارند که شیوه عمل تندتری نسبت به گروه اربکان اتخاذ می‌کنند.

آیا رقابت اسلام‌گراها با کمالیسم بود و یا این که مقابله با جریانات کمونیستی هم مورد توجه این گروه‌ها قرار داشت؟

رواج ایدئولوژی کمونیستی، یک نوع گرایش شدید به مذهب را در ترکیه در پی داشت. آمریکا هم اسلام‌گرایی را در مقابل کمونیسم تشویق می‌کرد. چون آن را بزرگ‌ترین مانع نفوذ فکری در قبال کمونیسم می‌دانستند.

**این گروه اسلام‌گرا با گروه‌های مذهبی‌ای که به شدت عمل بیشتری معتقد بودند، واکنش نشان می‌داد؟**  
در مجموع نوع مذهب خاص ترکیه و نفوذ جریانات صوفی‌گرایانه باعث شده که مردم ترکیه مانند مردم ایران افراط‌گرایانه عمل نکنند. ما کمترین افراط‌گرایی را در ترکیه می‌بینیم. اگر ترکیه را با کشورهای عربی مقایسه کنیم، می‌بینیم که کمترین عضوگیری القاعده در ترکیه رخ داده است. اگرچه القاعده در ترکیه هم شعبه دارد ولی نمی‌تواند مانند کشورهای عربی، در ترکیه فعالیت کند.

**جریانات صوفی‌گرایانه در ابتدای تأسیس توانستند تساهل و مدارا را ترویج کنند ولی بعداً مروج انزواگرایی و پرهیز از دنیا شدند. در ترکیه کنونی، وجه تشویق مدارا قوی‌تر است یا وجه متزوی شدن از جامعه؟**  
ظاهراً وجه اول نفوذ بیشتری دارد، چون اگر این گونه نبود، جریان اسلام‌گرا نمی‌توانست دولت تشکیل دهد و قدرت را به دست گیرد. حتی مطابق آماری که اداره اوقاف ترکیه ارائه داده، بیش از ۷۰ درصد مردم ترکیه نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و درصد زیادی از مردم به مسجد رفته و نماز جماعت می‌خوانند.

**با عنایت به این که سرشماری در ترکیه دارای پیشینه‌ای قوی است آیا می‌توان با قاطعیت گفت که دامنه و حوزه نفوذ هر یک از گروه‌های اسلام‌گرا و سایر جریانات در بین مردم چه وضعیتی دارد؟**

خیر؛ چون مطابق قانون اساسی ترکیه نمی‌توان پرسشی در مورد مذهب افراد مطرح کرد ولی وقتی اسلام‌گرایان در انتخابات شهر و روستا پیروز شدند، به این دلیل بود که آن‌ها آدم‌هایی پاک و به دور از فساد بودند. در مقابل مردم به کسانی که در اروپا و آمریکا تحصیل کرده بودند، رأی ندادند. این شیوه عمل به نوعی پایگاه آن‌ها را نشان می‌دهد. در گام بعدی هم در انتخابات پارلمان پیروزی را کسب کردند و الان هم خیز برداشته‌اند که ریاست جمهوری ترکیه را

به دست آورند. چون اکثریت کرسی‌های مجلس را دارند ولی ارتش به شکلی مایل نیست که اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه شود.

لازم می‌دانم به این موضوع هم اشاره کنم که گفته می‌شود تعداد علویان در ترکیه در حدود ۲۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود ولی آن‌ها به خاطر این که تحت فشار سنی‌ها قرار نگیرند، خود را اسکولار می‌دانند. البته یهودیان و مسیحیان هم اعمال مذهبی خود را به جای می‌آورند و تساهل موجود در ترکیه غیر قابل انکار است. اما افراط‌گراها و تندروهایی مثل حزب سعادت رجایی کوتاه، نتوانست حتی ۱۰ درصد رأی لازم را برای ورود به پارلمان کسب کند.

**گروه مبارز اسلامی شرق در ترکیه که برخی انفجارات ترکیه را به**

قصدی دارد ولی بیشتر بر اسلام‌گرایی تأکید دارد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که گولن عمدتاً مدرن است و بولاج هم عمدتاً سنتی ولی ترکیه در واقع کشور بدون متفکران و فیلسوفان بزرگ است و مثل کشورهای عربی و ایران نیست. یعنی ترکیه متفکری هم‌تراز با متفکران عربی همچون "محمدعابد جابری" اهل مغرب ندارد.

**به نظر می‌رسد که اندیشمندی مثل گولن را باید بیشتر یک عمل‌گرا دانست تا یک تنورپسین.**

به نظر من، او هم در عرصه فکر و هم در عرصه عمل، فعال است. او حتی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی خصوصی دارد، سایتی را هم راه‌اندازی کرده و مدارس متعددی دایر نموده است. **روزنامه "زمان" او چه جایگاهی در**

اردوغان، حکومت نظامی را در مناطق کردنشین ترکیه لغو کرد و از این جهت در این مناطق محبوبیت دارد. همچنین دولت اردوغان بیش از سایر دولت‌های ترکیه به کردها اجازه داده که در آموزش زبان کردی از آزادی عمل برخوردار باشند. اسلام‌گراها اتحادیه اقتصادی ملی (موسیاد) را راه‌اندازی کردند و در آن نفوذ دارند. چون معتقدند که باید از طریق اقتصاد، بنیان‌های مالی و اقتصادی قوی داشت. در بین افراد مذهبی که به پاک، صداقت، توسعه و عدالت اهمیت می‌دهند، پایگاه دارند. اگرچه همه مذهبیهون به آن‌ها رأی نمی‌دهند. کلاً اسلام‌گراها چون در انتخابات شهرداری‌ها پیروز شدند، در اکثر نقاط شهری پایگاه دارند از جمله در استانبول که شهر مدرنی است و آن‌ها در



**عهده داشت، چه پایگاهی دارد؟**  
آن گروه، الان متزوی شده است و پایگاه اندکی دارد ولی در مجموع، فعالیت تروریست‌ها در ترکیه، کمتر از فعالیت آن‌ها در کشورهای عربی است.

**آیا ترکیه دارای متفکران بزرگی هست که صاحب آرای قابل توجهی باشند؟**

ترکیه هم وضعیتی شبیه کشورهای جنوب شرقی آسیا دارد و متفکر به معنای واقعی کلمه در این کشور دیده نمی‌شود ولی "فتح‌الله گولن" را به عنوان یک متفکر ترک می‌توان نام برد که می‌خواهد اسلام را با مدرنیته آشتی دهد. "علی بولاج" هم تا حدی چنین

**بین مطبوعات ترکیه دارد؟**  
روزنامه زمان یکی از روزنامه‌های معروف ترکیه است و نفوذ بالایی دارد.

**علاقه‌مندی گولن نسبت به آثار "کانت" چه اثرگذاری‌هایی داشته است؟**  
"فتح‌الله گولن" متأثر از اندیشمندان اروپایی عصر روشنگری است و در چنین فضایی می‌کوشد سازش بین اسلام و مدرنیته را عملی سازد. البته به نظر من، او بیشتر به مدرنیته کردن اسلام توجه دارد و نه اسلامی کردن مدرنیته.

**اسلام‌گراها ترکیه در کدام شهرها و نواحی ترکیه پایگاه مردمی دارند؟**

ارائه خدماتی از قبیل مترو نقش داشتند و پایگاه روستایی، قومی و کردی قابل توجهی دارند.

به نظر من در ترکیه جریانی که موسوم به روشنفکری دینی باشد، وجود ندارد اما برخی اسلام‌گراهای این کشور بدون آن‌که خود را روشنفکر دینی بنامند، سعی دارند هم مسلمان و هم دموکرات باشند.

**آیا جریان فکری گولن، به مقوله روشنفکری ایران شباهت ندارد؟**  
جریان گولن، هرگونه استفاده ابزاری از اسلام را قبول ندارد و حتی به اربکان و اردوغان رأی نداد و معتقد بود که این‌ها استفاده ابزاری از دین می‌کنند. پدیده

دموکرات - مسلمان با روشنفکری دینی کشور ما، از زمین تا آسمان فرق دارد. چه تفاوت‌های شاخصی را می‌توان ذکر کرد؟

در ترکیه این مباحث، تئوریزه و هم اجرا می‌شود. فرضاً نوع اسلام‌گرایی آقای اردوغان این‌گونه است که در خانه‌اش از میهمانان با الکل پذیرایی می‌کند ولی خودش اهل مشروب خوردن نیست و یا بدون این‌که پیش‌شرطی تعیین کند در ضیافت‌های شام کشورهای اروپایی شرکت می‌کند. البته جریان سنتی اسلام‌گرایی ترکیه به رهبری رجایی کوتان فرق دارد. هرچند او برای کسب رأی، به سالن‌های رقص ترکیه رفت و دستش را به گردن خواننده‌های آن کشور انداخت تا نشان بدهد که تندرو نیست.

شاید کوتان با چنین کاری استفاده ابزاری از مذهب بکند و یکی از انتقادات فتح‌الله گولن به این جریان اسلام‌گرای نیز همین است که این‌ها از دین، استفاده ابزاری می‌کنند تا به قدرت برسند.

**جریانات اسلام‌گرایی ترکیه با گروه‌های اسلام‌گرای خارج از ترکیه هم در ارتباط هستند؟**

جریانات اسلامی، در واقع حلقه‌های به هم پیوسته گروه اخوان المسلمین هستند. مثلاً حزب عدالت و توسعه، بعد از پیروزی جنبش اسلامی فلسطین (حماس) از آن‌ها دعوت کردند که به ترکیه بروند و خالد مشعل به ترکیه رفت. اما حزب عدالت و توسعه، جریان بسیار میانه‌رو اخوان المسلمین است. باید بگویم که ترک‌ها چندان به داشتن دستگاه‌های فلسفی اهمیت نمی‌دهند. در ترکیه اسلام‌گراها مبنای نظری داندولوی منتظر ایجاد یک دستگاه فلسفی نیستند.

**این مبنای نظری چه ویژگی‌هایی دارد؟**

همان چیزهایی که از درونش، مدرنیته اسلامی، پیشرفت و عدالت درمی‌آید. در واقع مبنای تفکر آن‌ها درک و قرائتی است که از اسلام دارند و رفتارهایی که از خود نشان می‌دهند، مؤید این ادعا است. مثلاً همکاری آن‌ها را با صندوق بین‌المللی پول و با ایالات متحده می‌بینیم که این تعاملات در راستای تأمین منافع ملی ترکیه صورت می‌گیرد.

وقتی که به قدرت رسیدند هم نگفتند که ما نمی‌خواهیم وارد اتحادیه اروپا شویم و یا اعلام نکردند که رابطه‌مان را با اسرائیل قطع می‌کنیم.

تا وقتی که به قدرت نرسیده‌اند، شعارهای دیگر مطرح می‌کنند...

برای مثال اربکان قبل از این‌که به نخست‌وزیری برسد می‌گفت که اتحادیه اروپا مرکب از کشورهای امپریالیستی است و ما نمی‌خواهیم وارد این اتحادیه بشویم. اما بعد از انشعاباتی که در حزب رفاه رخ داد و حزب عدالت و توسعه تشکیل شد، آقای گل و آقای اردوغان اعلام کردند که در راستای حفظ منافع ملی باید با اتحادیه اروپا و آمریکا همکاری کنیم. یعنی اعتقاد داشتند که می‌توان اسلام‌گرا بود و با اسرائیل و صندوق بین‌المللی پول همکاری و ارتباط داشت.

**مدل حکومتی دولت‌های اربکان و اردوغان چگونه متمایز از یکدیگر ارزیابی می‌شوند؟**

دولت اربکان معتقد بود که اتحادیه اروپا محل امپریالیست‌ها است و ترکیه نباید وارد اتحادیه اروپا شود. در مقابل گروه هشت کشور صنعتی جهان (G8) ، او تشکیل گروه هشت کشور اسلامی (D8) را خواستار شد. به ایران آمد و قرارداد گازی امضا کرد، به سایر کشورهای اسلامی از جمله لیبی هم سفر کرد. اما اردوغان برعکس او عمل می‌کند و سعی می‌کند بیش از پیش به اتحادیه اروپا و آمریکا نزدیک شود.

**تجربه تلفیق دین و مدرنیته در این دولت‌ها تا چه حد موفقیت‌آمیز بوده است؟**

در ترکیه بسیار موفق بوده است. اقبالی که مردم به حزب عدالت و توسعه نشان دادند، بعد از اتمام دوران آتاترک، بی‌نظیر بوده است. چون در دهه‌های اخیر، دولت‌های ائتلافی در ترکیه تشکیل می‌شد ولی در انتخابات سال ۲۰۰۲، فقط دو حزب عدالت و توسعه و حزب جمهوری‌خواه خلق توانستند حدنصاب ۱۰ درصد رأی را کسب کنند و حزب عدالت و توسعه توانست ۳۴ درصد آرا را به دست آورد و دولتی یکپارچه ایجاد کند. قبل از آن هم در انتخابات شهر و روستاها پیروز شده بود و در واقع ملت را پشت سر خودش کشاند. این نشان‌دهنده قدرت و محبوبیت آنهاست.

**آیا دولت‌های اسلام‌گرای اربکان و اردوغان حائز یک پشتوانه نظری و فکری خاصی هم بوده و هست؟**

به نظر من، فهم آن‌ها از مسائل مختلف مذهبی و سیاسی فرق می‌کند. گروه اربکان به گونه سنتی، اسلام را درک می‌کند ولی اردوغان و گل، نگرش مدرن دارند، در دانشگاه‌های خارج از

کشور درس خوانده‌اند، تجربه بین‌المللی و مملکت‌داری دارند و از مشاغل شهرداری و از پایین به بالا فعالیت‌های خود را شروع کرده‌اند.

**چالش‌های دینی این گروه‌های اسلام‌گرا در چه مواردی رخ می‌دهد؟**

اگر بخوایم در مورد تجربه چندساله دولت اردوغان صحبت کنیم، می‌توانیم بگوییم که آن‌ها در حوزه خصوصی و وجدان خصوصی مردم دخالت نمی‌کنند و اعتقاد جدی ندارند که باید قوانین مبتنی بر شریعت را عملی سازند.

با افراط‌گرایی و تروریسم هم چالش دارند، ولی افرادی مثل فتح‌الله گولن فکر می‌کنند که این‌ها از مذهب به عنوان ابزار استفاده می‌کنند. با این حال، اسلام‌گراها سعی می‌کنند که انسجام و یکپارچگی را در درون جریانات اسلامی ایجاد و نمایندگی کنند.

**گولن با سکولارها و نخست‌وزیران پیشین ترکیه از جمله بولنت اجویت رهبر چپ‌گرای ترکیه ملاقات کرده است. ارتباط او با دولت اردوغان به چه شکل رقم می‌خورد؟**

گولن با گروه اردوغان میانه خوبی ندارد ولی موضع‌گیری منفی تند می‌کند نسبت به آن‌ها نداشته است.

**آیا فتح‌الله گولن هم جزو جریانات اسلام‌گرا به حساب می‌آید؟**

گولن متولد سال ۱۹۲۸ در ارز روم واقع در شرق ترکیه است و زبان عربی و تعلیمات مذهبی را از پدرش آموخت. در سال ۱۹۵۳ حرفه واعظ دولتی را انتخاب کرد. در سال ۱۹۷۶ و در زمان حاکمیت نظامیان ترکیه به اتهام فعالیت‌های مذهبی مخفی دستگیر و به مدت ۷ ماه زندانی شد. اما به تدریج در نوع نگرش‌های خود، تغییراتی را به وجود آورد. در سالیان اخیر او در پی اسلامی کردن ایندولولوژی ناسیونالیستی ترکیه و ترکی کردن اسلام بوده است و اعتقاد دارد اسلام ترکی متفاوت از تجربه سایر مسلمانان است. به نظر او اسلام ترکی بر تساهل و تسامح مبتنی است و اعتقاد زیادی به گفت‌وگوی ادیان دارد. او چند بار با رهبران مسیحی و یهودی در استانبول ملاقات و گفت‌وگو داشته و از جمله دوبار با رهبر ارتدوکس‌های یونان دیدار داشته است. در سال ۱۹۹۸ به ملاقات پاپ ژان پل دوم رفت و در تلاش است که خود را به عنوان رهبر اسلام معرفی کند. او دیدگاه مترقیانه‌ای درباره حقوق زنان دارد و معتقد است که حجاب

زنان، جزو مسائل فرعی اسلام است و صراحتاً اعلام می‌کند که هیچ‌کس نباید به خاطر نوع لباس یا اندیشه‌اش مورد انتقاد قرار گیرد. او متأثر از اندیشه‌های سعید نورسی است که اعتقاد داشت اسلام با علوم جدید مغایرت و تضاد ندارد.

گولن در برنامه‌های تلویزیونی، مصاحبه‌ها و خطابه‌ها درباره اسلام و علم، دموکراسی، مدرنیته، تساهل و تسامح مذهبی و ایندولولوژیک و اهمیت آموزش سخن می‌گوید.

البته برخی سکولارهای ترکیه معتقدند که او می‌خواهد قدرت سیاسی را در نهادهای دولتی از جمله ارتش به دست بگیرد. در سال ۱۹۹۸ هم بعد از سخنرانی انتقادآمیز او از دولت سلیمان دمیرل اعلام کرد که یک مرد مذهبی نباید اهداف سیاسی داشته باشد.

گولن اعلام کرد که در عصر روشنگری که ترکیه توانسته دموکراسی و سکولاریسم را تجربه کند، غیرممکن است که مردم ترکیه به عقب برگردند. او حزب رفاه را هم عامل بحران سیاسی در ترکیه و دخالت ارتش دانسته از انحلال حزب رفاه حمایت کرد و برکناری اردوغان از قدرت را در سال ۱۹۹۷ غیرمنصفانه ندانست. البته احمد نجات سزر رئیس وقت قضاات دادگاه قانون اساسی و رئیس جمهور کنونی ترکیه هم اعلام کرد که حزب رفاه به خاطر ورود به فعالیت‌های مغایر با اصول جمهوری سکولار منحل می‌شود.

**یعنی ما نمی‌توانیم جریان گولن را به عنوان جریانی اسلام‌گرا به حساب بیاوریم؟**

هر کسی می‌تواند این عنوان را به آن اطلاق کند ولی او خود را اسلام‌گرا نمی‌داند. شاید بتوان گفت او در پی مدرنیته اسلامی است. یعنی جریان او در پی این است که اسلام را مدرن سازد.

**چه تفاوتی بین اسلام‌گرایی اربکان و اردوغان با نوع نگرش گولن می‌توان یافت؟**

گولن تا حالا نشان نداده که خواستار تشکیل دولت است. این، مهم‌ترین تفاوت بین آنهاست.

**به عبارتی می‌خواهد برداشت غیرسیاسی و غیرایدئولوژیک از اسلام را ترویج دهد؟**

تقریباً می‌خواهد این‌گونه عمل کند تا زمانی که شرایط آماده شود. یعنی به نظر او اول باید شرایط لازم فراهم شود و بعد بر مبنای دستگاه نظری، یک قدرت اجرایی تشکیل بشود.

آیا باز این جریان هم تلقی اسلام‌گرایانه‌ای دارد؟

به معنایی که ما از اسلام سیاسی برداشت می‌کنیم، خیر.

مدرنیزه کردن مذهب چه معنایی دارد. آیا تحولی درونی است یا بیشتر پذیرش معیارهای حقوق بشری جهانشمول؟

در اینجا ممکن است، بحث جهانی‌سازی و جهانی‌شدن مطرح شود ولی معیارهایی هست که جهانشمول هستند و غرب هم این‌ها را پذیرفته است. مثلاً مجازات‌های جایگزین به جای اعدام تجویز می‌شود البته در آمریکا هنوز حکم اعدام لغو نشده است ولی ترک‌ها باید حقوق مدرن را به اجرا درآورند و به مدرن کردن ساخت اجتماعی و سپهر اقتصادی و سیاسی ترکیه اقدام کنند.

اردوغان، حزب خود را حزبی دموکرات - محافظه کار معرفی می‌کند. او با بیان چنین موضوعی چه مقصودی دارد؟

او معتقد است که حزب عدالت و توسعه شبیه احزاب دموکرات - مسیحی اروپا است و محافظه‌کار از دید او، حفظ سنت‌های جامعه ترکیه است. در ترکیه قوانین شریعت مثل گردن زدن با شمشیر آنچنان که در قطر و عربستان سعودی وجود دارد، اعمال نمی‌شود. ترکیه بسیاری از اصول حقوق بشر را پذیرفته و هر شهروند ترکیه حق دارد در دادگاه حقوق بشر اروپایی از دولت ترکیه شکایت کند.

حفظ سنت‌ها در چارچوب نظام لایبیک ترکیه به چه معنا است؟ چون نظام لایبیک درصدد احترام گذاشتن به همه دین‌ها است و هیچ دینی را بر ادیان دیگر ترجیح نمی‌دهد.

آن‌ها رفتارهای عجیبی دارند. موقعی که پیروز شدند، رفتند روی قبر آنا ترک دسته گل گذاشتند و الان هم سعی می‌کنند، برداشت‌شان از اسلام در چارچوب نظام سیاسی ترکیه باشد و به اصطلاح از خط‌های قرمز تفکرات ارتش عدول نکنند. به همین دلیل ارتش سه بار علیه اسلام‌گراهای حاکم کودتا کرده است. ما باید محافظه‌کاری را به معنای حفظ وضع موجود نگیریم؛ بلکه آن را حفظ سنت‌های جامعه ترکیه در نظر بگیریم.

آیا نامیدن آن‌ها به اسم اسلام‌گرا که رواج هم دارد، تعبیر دقیقی است؟ هر کسی می‌تواند این تعبیر را به کار ببرد. دولت نو محافظه‌کار بوش هم الان به شدت تحت تأثیر مسیحیان تندرو است. با همه این بحث‌ها، اردوغان می‌گوید ما اسلام‌گرا نیستیم و تعبیر و

تفسیر دیگران را قبول ندارد و معتقد نیست که دولتش، یک دولت اینتولوزیک است.

اردوغان قبلاً مخالفت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بوده و مدتی هم به خاطر تبلیغ تفکرات اسلام‌گرایانه و ضد نظام لایبیک، زندانی شده بود. آیا با استناد به فعالیت‌های سیاسی گذشته او، گروه او را اسلام‌گرا می‌دانند و یا این که برخی نگرش‌های فعلی او نیز مصداق اسلام‌گرایی تصور می‌شود؟ به نظر من، آن‌ها در حوزه خصوصی، اسلام‌گرا هستند و در حوزه خصوصی هم نمی‌توان گفت که فرضاً جورج دبلیو بوش، مسیحی نیست. چون بالاخره او به کلیسا می‌رود ولی اردوغان در تلاش است که در حوزه عمومی و دولتی، رفتارهای مدرنی

آیا اردوغان و گل، واقع‌گرا شده‌اند؟

بله، چون نوع برخورد ارتش را با اربیکن و خودشان دیده‌اند. اردوغان چند سال پیش شعر معروفی از یکی از شعرا ترکیه را در یک سخنرانی خواند که مناره‌های مساجد، سرنیزه‌های ما هستند. در واقع اردوغان و سایر رهبران حزب عدالت و توسعه، عمل‌گرا (Pragmatist) شده‌اند و عملی بودن ایده‌های خود را الزامی می‌دانند. حتی او در انفجار کنیسه یهودیان ترکیه، با یهودیان ملاقات کرد و آن انفجارها را محکوم نمود و اعلام کرد که یهودیان، شهروندان ترکیه هستند.

اسلام‌گراها در برابر ایده‌های مطرح شده در قالب کمالیسم، چه ایده‌هایی را مطرح می‌کنند؟

کمالیسم ایده‌های شش‌گانه جدایی

این شدند که آن نویسنده محاکمه نشود ولی مسأله کشتار ارمنه یک مسأله فرهنگی است که ترک‌ها باید مسؤولیت آن را بپذیرند. ترک‌ها بسیار دیرتر از ژاپنی‌ها می‌خواهند، معذرت‌خواهی کنند. چون بارها ژاپنی‌ها از چینی‌ها معذرت‌خواهی کردند. کلیتون هم از لوزان پیش آمده در جنگ ویتنام هنگام سفر به آن کشور، اظهار تأسف و معذرت‌خواهی کرد. به طور کلی باید بستر و زمینه‌های فکری لازم فراهم آید تا ترکیه از ارمنه عذرخواهی کند و یا حتی غرامت لازم را پرداخت کند.

در نهایت چشم‌انداز فعالیت‌های جریان اسلام‌گرا و دولت کنونی ترکیه را چگونه ترسیم می‌کنید و آیا دولت کنونی ترکیه می‌تواند قابلیت تعمیم‌پذیری به سایر جوامع منطقه را



داشته باشد؟

آمریکایی‌ها قبل از حمله به افغانستان و عراق معتقد بودند که ترکیه می‌تواند مدلی برای دموکراتیک شدن کشورهای منطقه باشد و الان هم از چنین موضوعی حمایت می‌شود و نظام این کشور می‌تواند بدلی برای تروریسم و بنیادگرایی در جوامع اسلامی باشد. وضعیت اسلام‌گراها هم بستگی به نوع برخورد حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای این کشور نسبت به نوع رابطه‌اش با ارتش و مجتمع‌های صنعتی و نظامی دارد. اگر آن‌ها دولت کنونی ترکیه را تحمل نکنند ترکیه به سمت خشونت می‌رود و فعالیت‌های سیاسی به صورت زیرزمینی و غیرقانونی انجام می‌شود ولی تاکنون دولت ترکیه بسیار موفق بوده است.

دین از دولت، دولت‌گرایی، دموکراسی، اقتصاد آزاد و صلح در داخل و خارج را مطرح می‌کنند. در نظام لایبیک ترکیه، تقدم دولت و ارتش بر جامعه وجود دارد که الان دولت اردوغان خواهان برعکس شدن آن است و معتقد است که با روش دموکراتیک باید به قدرت رسید ولی این مشکل هست که در غرب، دولت محصول جامعه مدنی است و در ترکیه تشکیل دولت، بر تأسیس ملت و جامعه مدنی تقدم دارد.

در قضیه محاکمه اورهان پاموک، نویسنده ترکیه‌ای که کشتار ارمنه توسط دولت عثمانی را محکوم کرده بود، دولت اسلام‌گرا چه واکنش و رفتاری از خود بروز داده است؟

اتحادیه اروپا با اسم آزادی بیان، خواستار داشته باشد. به هر حال اردوغان اهل نماز خواندن و مسجد رفتن است، مشروب نمی‌خورد و زن و دخترانش هم از روسری استفاده می‌کنند.

ترس چنین جریاناتی از کدامیک از جریان‌های رقیب، بیشتر است؟

آن‌ها هراسی از جریان‌های رقیب ندارند ولی مثلاً کمالیسم را رقیب خود می‌دانند. اما آنچه که باید گفت این است که مدل ترکیه به عنوان یک نظام لایبیکه بیشتر متأثر از نظام فرانسوی است که عمده‌تأجبه ضددینی دارد تا غیردینی. مثلاً زنان، حق ندارند در دانشگاه‌های ترکیه از روسری استفاده کنند و به همین دلیل، دختران اردوغان مجبور می‌شوند برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا درس بخوانند. در ترکیه، پوشش زنان را نوعی مبارزه با لایبسم می‌دانند.